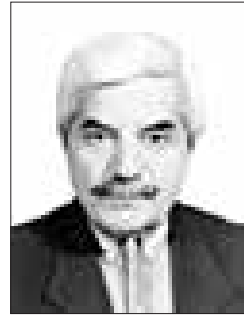




# کارگر نساجی که زمانی قهرمان مشتزنی ایران، آسیا و جهان بود و سپس مهندس نساج شد



تهیه و تنظیم: حبیب کریمی، روزنامه‌نگار

محبوب و ساکت است و در جمع پیشکسوتان ورزش نیز کم حرف می‌زند اما به لحاظ محبتی که به من دارد شرح زندگی اش را بیان نمود که در پی می‌آید.

## از کارگری ساده در چیت سازی تا....

پرویز دلپذیریان ابتدا در حالی که تحصیلات خود را به اتمام نرسانده بود به‌عنوان کارگر ساده در کارخانجات چیت سازی مشغول به کار می‌شود و همزمان به تحصیلات متوسطه خویش ادامه می‌دهد تا احراز مدیریت تولید در کارخانه مزبور دیپلم خود را در رشته ریاضی اخذ می‌کند و به‌عنوان یک مشتزن در مسابقات داخلی و سپس خارجی نیز حضور می‌یابد و با کسب چند مدال طلا و نقره و برنز در سطح داخلی و بین‌المللی، آوازهای را برای خویش پدید می‌آورد. سپس موجباتی فراهم می‌گردد که در آزمون سراسری دانشگاه‌ها حضور یابد و به لحاظ علاقه‌ای که به نساجی داشته، وارد دانشکده مهندسی نساجی دانشگاه امیرکبیر می‌شود و با موفقیت کارشناسی ارشد این مرکز و ستاد علمی را هم کسب می‌کند و تا مدارج بالاتر چیت ری همزمان با تداوم حضور در میادین ورزشی و مشتزنی در داخل و خارج ارتقاء می‌یابد و اینک چند سالی است که دوران بازنشستگی را سپری می‌کند.

## وزارت ورزش به پیشکسوت‌ها توجهی نمی‌کند!

مهندس دلپذیریان از عدم توجه وزارت ورزش به وضع بیمه ورزشکاران پیشکسوت گلایه دارد و می‌گوید: در حالی که در اروپا، روسیه و آمریکا، به ورزشکاران پیشکسوت که روزی باعث اعتلا و سربلندی وطن خود شدند و پرچم میهنشان به‌خاطر کسب مدال طلا یا نقره و حتی برنز به‌هتزاز درآمد و طنین سرود کشور آنها محوطه سالن مسابقات را در خارج از کشور تحت تاثیر قرار دارد، وزارت ورزش توجهی به پیشکسوتان

خوانندگان و مخاطبان این رسانه خواهد بود. مدت‌هاست که با مهندس پرویز دلپذیریان، پیشکسوت ورزش مشتزنی هر ماه دیداری در مهمانسرای امیر یآوری، پیشکسوت ورزش مشتزنی دارم و او از زندگی‌اش در یکی از این روزها تعریف می‌کرد. در یکی از این دیدارها مجله نساجی امروز را از کیفم در آوردم تا آن را زیر صفحه‌ای می‌خواستم نکته‌ای را در آن یادداشت کنم. وی وقتی مجله نساجی امروز را دید مشتاقانه پرسید می‌شود این مجله را ورق بزنم و هنگامی که با دقت صفحات آن را تورق می‌نمودم از من درباره قدمت و چگونگی این نشریه که تا آن موقع آنرا ندیده بود پرسید، البته تا آن روز گرچه همه به او «مهندس» می‌گفتند و من هم به تبع آنها وی را مهندس خطاب می‌کردم اما ذوق و شوق او از دیدن مجله نساجی امروز، مرا تهیج نمود که پرسیم علت علاقه‌ات به این مجله چیست؟ و او که بسیار محبوب و متواضع است برخلاف رشته سنگین وزن مشتزنی که به‌قولی یک هوگ چپ او می‌تواند هم اکنون امثال مرا ناک اوت کند خیلی آرام و شمرده گفت: من مهندس نساج هستم. شنیدن این حرف آن هم برای من که علقه و علاقه خاصی به مجله نساجی امروز دارم، گرچه از سال ۱۳۴۵ که در نشریه تهران اکونومیست فعالیت داشتم در کنار استادی مثل او روانشاد مهندس بهشتی پور سردبیر مجله که تاریخچه نساجی ایران را می‌نوشت، با نساجی آشنا بودم و از طرفی سبب آنکه خود اهل کاشانم و مادر فقیده سعیده‌ام نیز از کودکی و نوجوانی و جوانی تا هنگام وصلت با پدر روانشادم قالی می‌بافت و نخ به نخ و پود به پود رشته‌ها را در هم می‌تنید، خیلی جالب و مفید بود.

از مهندس پرویز دلپذیریان پرسیدم: به‌راستی مهندس نساج هستی؟ گفت آری و من که سوژه نابی را به اعتماد خویش یافته بودم از او خواستم تا چگونگی ماجرا را بگوید. گرچه قبلاً نوشتیم که او بسیار متواضع،

نزدیک به سه دهه است که به همت، امیر یآوری - مشتزن ملی و جهانی ایران در ۵ دهه اخیر - روزهای سه شنبه اول هر ماه، پیشکسوتان ورزش ایران اعم از کشتی‌گیر، وزنه‌بردار، دوچرخه‌سوار، فوتبالیست، مشتزن، شطرنج باز، کاراته کار، پینگ پنگ باز و... دورهم در محلی که کنار کارگاه نان پزی امیر یآوری و پسران و برادرزادگان اوست؛ جمع می‌شوند و با صرف ناهار و پیش غذا و دسر که همه هزینه‌های آن هم برعهده امیر یآوری است از خاطرات خود، قهرمانی‌ها، مدال آوردن‌ها، استقبال‌های مردمی، شکست‌ها، پیروزی‌ها و بی‌توجهی‌های مسئولان ورزش در میادین داخلی و خارجی می‌گویند و در پایان هم عکسی به یادگار این روز ثبت می‌شود تا ماه دیگر... و دیداری... اگر عمری باقی بماند.

اگر اغراق نباشد و حمل بر خودستایی نشود، راقم این سطور از ۶۰ سال حضور مستمر در رسانه‌های دیداری و شنیداری و نوشتاری سالیانی نیز در صحنه ورزش برای رسانه‌های نوشتاری قلم زده و به همین سبب با اکثر این پیشکسوتان آشنائی و رفاقت دارم؛ بر این اساس مدت‌هاست که می‌خواستم از مهندس پرویز دلپذیریان، مردی که اینک به دهه هشتاد از بین خود را طی می‌کند برای مجله نساجی امروز که با لطف و عنایت آقای مهندس امامی رئوف دوست جوانسال و اندیشمند خود، اینک پذیرفته است که رشحاتی از این نویسنده سالنمند را هر از گاهی در نشریه پر مخاطب نساجی امروز شرحی بنویسم که بی‌تردید خوشایند

ورزش که بسیاری از آنها با حقوق بازنشستگی زندگی را سپری می کنند ندارد.

**در صدا و سیما، پیشکسوتان ورزش محلی از اعراب ندارند**

وی از صدا و سیما هم گله مند است که برنامه های ورزشی آن مختص ورزشکاران جوان یعنی کسانی که هنوز می توانند بدون، کشتی بگیرند، وزنه بردارند مشت می زنند و... می باشد و کمتر به پیشکسوتان ورزش افتخارات و مباحثاتی که آنها برای ایران پدید آوردند توجه می شود، گرچه پخش مسابقات فوتبال، کشتی، والیبال، وزنه برداری و... برای جوانان و عدم گرایش آنان به اعتیاد و صدمه غیر مفید است اما گفتگو با ورزشکاران پیشکسوت می تواند رازها و رمزها و پیشنهادات و عقاید جالب و جذابی را برای جوانان ورزشکار در پی داشته باشد.

**تا چهل دهه قبل کارگر مهندس کره ای، حقوق بگیر ایرانی ها بودند!**

مهندس دلپذیریان از رکود و سقوط صنعت نساجی به شدت ناراحتی خود را ابراز می کند و می گوید: وقتی شنیدم کارخانجات نساجی مازندران و چیت ری و امثالهم به تعطیلی گراییده اند خیلی افسوس خوردم و بدتر از آن هجوم واردات محصولات نساجی چینی و کره ای و ژاپنی قلب آدم را کف کارخانه نساجی بالا آمده ای مثل من را می سوزاند چرا که زمانی را به یاد می آوریم که در اکثر کارخانجات نساجی کارگر کره ای و بنگلادشی و... با اسکیت از این سوی خط تولید تا آن سوی خط تولید می رفتند که گره ای در نخ ریسی و توقفی در ماشین آلات پدید نیاید و حتی دختران کره ای در استخدام واحدهای نساجی بودند و رانندگان مدیرعامل واحدهای نساجی از کره به ایران می آمدند تا مرکب کارآفرینان ایرانی را برانند و حالا برعکس ما باید شاهد انواع و اقسام محصولات نساجی و قماش فاقد کیفیت و دست دوم از بنگلادش و چین و پاکستان و... باشیم و ایرانی ها راننده کره ای ها شده اند!

**حضور در کلوپ نساجی**

از مهندس دلپذیریان به نمایندگی از سوی مهندس حریری دبیر کل جامعه متخصصین نساجی و مهندس

امامی رؤف دعوت کردم تا به جمع جامعه و کلوپ نساجی بپیوند و از تجربیات و ناگفته های خود خاصه برای اعضاء شیفته و مشتاق و علاقه مند کلوپ نساجی که حاصل تفکر و اندیشمندی مهندس سیدشجاع الدین امامی رؤف مدیر محترم مجله نساجی امروز است، برای آنان سخن بگوید. در پایان دوره می پیشکسوتان ورزش از ایستگاه سرسبز مترو به اتفاق راهی می شویم و مهندس دلپذیریان چند ایستگاه بعد که مترو به طرف شمال تهران می رفت را ترک می کند با همان تواضع و فروتنی و صداقتی که در چهره این کارگر ساده دیروز در واحد های نساجی، دلاور میادین مشتریان در داخل و خارج از کشور مدال آور ایران زمین و نهایتاً مهندس نساجی که اینک دوران بازنشستگی را طی می کند.

**مؤخره**

به اعتقاد استادان ادبیات و نویسندگان و خبرنگاران عالم و دانشمند هر نوشته ای مقدمه ای دارد و مؤخره ای، هنگامی که قصد داشتیم دست نوشته های خود را جمع و چیدمان کنیم و داخل پاکت بگذاریم و به مدیر ارجمند مجله نساجی امروز عرضه نماییم، در کنار میز کوچک اتاقم، ناگهان متوجه درج خبری در روزنامه همشهری شدم که این تیتربیشانی آن حک شده بود «۲ کارخانه در اصفهان لباس فرهنگ می پوشند»

من نساج زاده، با نساج های کار کرده از آغاز تولد تا به حال در آغاز هفتاد و دو سالگی همیشه لباس بر تن، توجه جستجوگرم بیشتر معطوف به متن و محتوای خبر شد و در خبر به شرح زیر به نقل از خانم نسبیبه یزدانی خبرنگار آمده بود:

«در چند سال گذشته بیش از ۴۵ درصد از آثار معماری صنعتی در اصفهان تخریب شده و جای خود را به آپارتمان های مسکونی بدقواره داده اند. این اتفاق در حالی در اصفهان رقم می خورد که در بسیاری از شهرهای جهان کارخانه های مترو که حتی در قلب و مرکز شهر بودند، حفظ شده و به مکانی زنده و متناسب با زندگی شهری آن روز تبدیل شده اند: سرنوشتی که می توانست برای ۱۰ بنای صنعتی در حاشیه زاینده رود اصفهان نیز رقم بخورد. این روزها ما مسئولان خبر می دهند بنای تاریخی صنعتی اصفهان

شامل نساجی، نختاب و ریسباف قرار است حفظ شود. تا پیش از ساخت این بناها اغلب در ساخت کارخانه ها از معماری سنتی استفاده می شد، اما به تدریج تغییر بسیاری در ساختمان آنها به وجود آمد. گرچه برخی از این کارخانه ها متأثر از معماری مدرن آلمان شکل گرفته اند، اما در نمای آنها نشانه های پررنگ معماری ایرانی مشاهده می شود.

**چرا تخریب؟**

مدیر کل راه و شهرسازی استان با بیان اینکه اصفهان و جایگاه این شهر در دوران صنعتی موجب شکل گیری ساخت و سازهایی در صنعت نساجی شد، می گوید: بیشتر کارخانه هایی که نساجی اصفهان را تأمین می کردند، آنهایی بودند که در یک مقطع خاص از دوره پهلوی اول و دوم و عمدتاً با سرمایه گذاری بخش خصوصی شکل گرفتند. حجت الله غلامی اظهار می کند: متأسفانه بعد از تصویب قانون حمایت از صنایع روند تخریب این بناهای قدیمی آغاز شد. بنابراین قانون، صنایع می توانستند کارخانه های واقع در محدوده داخلی شهرها را به بیرون از شهرها منتقل و زمین آنها مسکونی کنند.

**تغییر کاربری ممنوع**

در دوره فعلی شورای عالی معماری و شهرسازی دستورالعملی برای کمیسیون ماده ۵ ارسال کرده است که براساس آن کارخانه های صنعتی که در داخل محدوده شهرها هستند باید به عنوان یک فرصت برای شهر مورد استفاده مجدد قرار بگیرند. مدیر کل راه و شهرسازی اصفهان عنوان می کند: کارخانه های صنعتی در تقسیم بندی قانون حمایت از بافت های فرسوده و یکی از ۵ محدوده نیازمند بهسازی محسوب می شوند. غلامی از حفظ ۲ بنای صنعتی باقیمانده برای اصفهان خبر می دهد و می گوید: به کمیسیون ماده ۵ پیشنهاد داده ایم مجموعه ریسباف را به عنوان یک فضای شهری، فرهنگی خدماتی تصویب کند و برای تملک این بنای قدیمی اقدام شده است. مدیر کل راه و شهرسازی اصفهان از تملک کارخانه نختاب از سوی اداره کل راه و شهرسازی به عنوان گام دوم یاد می کند. و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل...